

بسم الله الرحمن الرحيم

یادی از تجاوز در نوشته های قبلی!

نوشته و طرح کارتون: انجنیر محمد نذیر تنویر

نسخه های جدید مضامین قبلی، در هژدهمین سالروز تجاوز امریکا بر میهن ما، 7 اکتوبر 2001

Author & Graphic Design: M.N. Tanwir



تذکر:

نسخه های جدید مقالات را؛ در «هفتاد دو روز وحشت» بعد از تجاوز امریکا، پیگیری و مرور خواهیم کرد، تا باشد که با این یادآوری ناچیز، پیوندی در ضمیر خویش با قربانیان این «تجاوز منحوس» داشته باشیم. بیایم تا با تکثیر همچو نسخه ها؛ که شمه ای از واقعات تکان دهنده و تراژدی های این سرزمین مظلوم و مجاهد پرور می باشد، جای پای منافقین و وطن فروشان دین ستیز را در آینده این سرزمین مسلمان محدود گردانیده، و خویشان را نیز در جمع خیراندیشان پیوند زنیم، تا باشد که اگر بهره ای از ثواب الهی را نصیب گردیم. ان شاء الله

مضمون شصت و سوم (بخش دوم رساله):

63- تحفه تو، کفن من! (2)

نوشته و گرافیک دیزاین: انجنیر محمد نذیر تنویر

تاریخ نشر نسخه اول: 21 می 2019

بخش دوم:

پس از دو ساعت استراحت، زنگ ساعت مرا برای نماز صبح بیدار ساخت. در هنگام ورود به هتل سراغ آدرس مسجد را گرفته بودم که متأسفانه در نزدیکی های آن محل وجود نداشت. ادای نماز صبح، خستگی های سفر و کم خوابی را تا حدی رفع گردانید، و تعهدم را دوباره بخاطر آورد:

«تعهد با پروردگارم که کمترین لحظه خویش را از برای هوای نفس بهدر نخواهم داد.»

بخاطرم رسید که قبل از سفر، ایمیلی را برای مجاهد صاحب (ذبیح الله مجاهد سخنگوی امارت اسلامی) فرستاده بودم، و از ایشان درخواست آدرس و نمبر تلفون «دفتر امارت اسلامی» در قطر را نموده بودم. خوشبختانه (Wi-Fi) هتل بدون کودنمبر فعال گشت و جواب ایمیل که ساعت 05:14 نزدیکاً ارسال شده بود را دریافت کردم. وی از «لغو کنفرانس» خبر می داد، که دیگر برایم دیر بود، و در ضمن نمبر تلفون محمد سهیل شاهین سخنگوی «دفتر امارت اسلامی» را نیز برایم ارسال داشته بود.

«سپواتژ کنفرانس» توسط رژیم دست نشانده را، خیر از جانب الله جل جلاله پنداشته، و از عدم برخورد با چهره های منفور و خائن احساس آرامش برایم پدید آمد. با خود گفتم، زمانی آن فرا رسیده است تا از موجودیت حضور خویش در کشور قطر استفاده اعظمی برده، و با فرزندان دلسوز و نمایندگان واقعی این خطه (امارت اسلامی)، گفتگو و تفاهم صورت گیرد.

در اولین فرصت میزکار را آماده ساخته، و زمانی که «لپ تاب» را با برق وصل می‌داشتم متوجه تفاوت سیستم برق آنجا با اروپا گشتم. در همان «صبح وقت» به دفتر پذیرش «رئیسین» هتل مراجعه نموده، ضمن درخواست اداپتر تبدیل برق، سراغ مطبوعه (printer) را نیز شدم. خوشبختانه در آنجا سالون بزرگی مجهز با تمام وسایل رسانه یی (Media Tech)، کمپیوتر ها، پرینتر و انواع وسایل بازی های کمپیوتری نیز موجود بود. در اطاق ماشین تهیه قهوه نیز وجود داشت که در رفع خواب‌گرفتگی و خستگی خیلی موثر بود. در جریان کار، برای اطمینان خاطر سری به سالون میدیا تیک زده و با (USB) که داشتم فایل نوشته هایم را باز نمودم. از اینکه در کمپیوتر آنجا زبان دری موجود نبود، نخست آنرا نصب و بعداً اولین یادداشت هایم را چاپ نمودم.

ساعت هشت صبح با داخل شدن اوقات کاری مکرراً سعی داشتم تا ارتباط با «دفتر امارت اسلامی» افغانستان در دوحه برقرار نمایم که موفق نشدم. از مرکز خدمات هتل نیز کمک طلبیدم، اما نتیجه نداد. زمانی که از ایشان سراغ آدرس «دفتر امارت اسلامی» را گرفتم، تازه یکی دیگر از صفحات مظلومیت این جریان (طالبان) برایم باز گردید.

بلی! آنچه که در میدیا های ملی و بین المللی، تصویری از «دفتر امارت اسلامی» را به روی صفحات تلویزیون به تصویر می کشانند، همه دروغ و خیالی می باشد. هشت سال قبل، زمانی که دریچه ای از برای گفتگو و تفاهم در دوحه قطر باز گردید، و دفتری برای امارت اسلامی تاسیس یافت، اداره فاسد کابل (که در ظاهر طالبان را برادر خطاب می داشت) آنرا حکومت موازی با خود خواند، و با فشار های پیهی که بر کشور قطر وارد نموده بود، توانست تا دروازه های این دفتر را به روی همه ببندد.

دوباره برای مجاهد صاحب (ذبیح الله مجاهد) ایمیل فرستاده و از وی در این رابطه طلب همکاری گشتم. بعد از پنج ساعت کار؛ زمانی که نیم ساعتی به ختم صرف صبحانه مانده بود، اطاق را بقصد رستوران هتل ترک گفتم. زمانی که سراغ محل رستوران را گرفتم، رهنمای هتل مرا به گوشه یی از رستوران رهنمایی نمود که دیگر افراد دعوت شده به این کنفرانس حضور داشتند.

جوی معرفی یکدیگر شان بود که بنده در جمع ایشان پیوستم. برادر عبید الله علم با گرمی از بنده استقبال نموده و نیز شناختی که از نوشته هایم داشت به دیگران نیز معرفی داشت. در جریان معرفی همدیگر، دفترچه و قلمی را که در دسترس داشتم به دوستان پیشکش نموده و از ایشان خواستم تا اسم، محل «بود و باش» و نمبر تلفون شان را بنویسند. با شکل گیری اسامی بر روی کاغذ، محترم داؤد عظیمی، حدید الله نظیم و عمران فیروز ابتکار ساختن گروهی را زیر عنوان «افغانی سولی ناسته» در «WhatsApp» گرفتند که سهولت مزیدی را در ارتباطات میان مایان پدید آورد.

تبادل افکار و ارائه نظریات، آغاز نخستین شناخت از دیدگاه های همدیگر بود که در مجموع منتهی به موضوعی مشترک گردید تا از حضور خویش در دوحه استفاده مثبت بریم. پس بدین منظور می باید نظریات، دیدگاه ها و طرح های ابتکاری خویش را با بزرگان امارت اسلامی روی بحث بکشانیم. بنده پای را از این هم فراتر گذاشته و از دوستان خواستم تا از برای «بی اهمیت» جلوه دادن حضور افراد اداره کابل، سعی نمایم تا برادران طالب را متقاعد به ادامه کنفرانس در روز های 20 و 21 اپریل نمایم، و در پایان نیز با صدور قطعنامه، جلسه خویش را پایان بخشیم. کاری دشوار؛ اما با «جرأت عمل» امکان پذیر بود، که می باید قبل از آغاز جلسه مقدمات آن فراهم می گشت. برای فراهم نمودن این مقدمات، در کار بود تا در قدم نخست با برادران «دفتر امارت اسلامی» تفاهم بعمل می آمد. از مشکل تخنیکی عدم آدرس و تماس با سخنگوی دفتر امارت (محمد سهیل شاهین) با عظیمی صاحب صحبت نمودم، و در

ضم نیز یاد آور شدم که منتظر جواب ایمیل **مجاهد صاحب** می باشم. عظیمی صاحب لطف نموده و نمبر یکی دیگر از همکاران دفتر امارت را برایم سپرد.

وقت **نماز جمعه** نزدیک می گشت، و دوستان حلقه ما تمایل اشتراک در آنرا داشتند. قبل از حرکت بسوی مسجد، به اطاق خویش سرزده، و دوباره سعی بر برقراری تماس با دفتر امارت را نمودم. خوشبختانه تماس هاید از طریق **اعمار یاسر** (پسر **استاد یاسر** حفظه الله) با سخنگوی «دفتر امارت اسلامی» نیز برقرار گردید. بنده سعی داشتم تا شاهین صاحب را معتقد به ادامه کنفرانس در روز های 20 و 21 اپریل نمایم، اما قیوداتی وضع شده از جانب کشور قطر، دست باز به آنها نمی داد، که وضاحت این مطلب در نشست همان روز با **سلطان برکات**؛ رئیس «مرکز مطالعات بشری و منازعات انستیتوت دوحه» نیز هویدا گشت.

گروپ «واتس اپ» خبر داد که رونده مسجد می باشند. اطاق را بقصد ادای نماز جمعه ترک گفته، و با چند تن دیگر، از «تکسی ران» خواستیم تا ما را به نزدیکترین مسجد آن محل برساند. مسجد زیبا و مدرن را؛ که در کناره جاده قرار داشت، در یک فضای آرام یافتیم. به جز چند تن از کارگران آسیایی ساختمان های مجاور در حال عمران، کسی از باشندگان قطری را در آنجا نیافتیم. مسجد بدون امام و خالی از نمازگزاران؛ آنهم در یک کشور عربی، مرا بفکر اروپا انداخت که در روز جمعه جای پای ماندن در مساجد پیدا نمی شود. حالا حتی یک فرد مقیم دیده نمی شود که حداقل نماز ظهر را برای ما جماعت دهد. بعد از تحیات مسجد از **قاری صاحب سلطان محمد** تقاضا کردیم، وی گفت که نمازش را انفرادی خوانده است. دوستان زمانی که از من خواهش نمودند، با پیشانی باز آنرا پذیرفته و از کارگران آسیایی خواستم تا آنها نماز شان را مکمل ادا نمایند، چونکه ما مسافر هستیم.

دوباره به هوتل برگشتیم، و با ترک دوستان در پی اتمام نوشته ها شدم. در جریان کار، تلفون از مرکز مطالعات دوحه آمد و تذکر رفت که ساعت دو بعد ظهر در یکی از سالون های رستوران با **سلطان برکات** نشست داریم. ده دقیقه قبل از آغاز جلسه در آنجا حضور یافتیم که مسبب معرفت با **فدا جان** (ژورنالیست نن آسیا) نیز گشت. در ضمن صحبت، از وی سراغ عدم چاپ مضامینم را در سایت (نن آسیا) گرفتم که چنین جواب داد:

«تتویر صاحب، ما با نوشته های خودت کمی مشکل داریم.»

دیگر تا ختم سفر، متأسفانه موقع مساعد نگشت تا جویایی این مشکل را می گشتم.

پروفیسور سلطان برکات؛ رئیس «مرکز مطالعات بشری و منازعات انستیتوت دوحه» با تیمی از شاگردانش در آنجا حضور یافتند، و به دور میزی که از قبل ترتیب یافته بود نشستیم. مردی آرام و خوش برخورد که در آغاز صحبتش خواست تا به جز از مهمانان دعوت شده، دیگران جلسه را ترک گویند که **فدا جان** (ژورنالیست نن آسیا) آنجا را ترک گفت.

وی پس از خیر مقدم گفتن مهمانان، به معرفی فشرده خویش، و اعضای تیم اش و نیز انستیتوت دوحه پرداخت و سپس از مهمانان خواست تا خودشان را معرفی بدارند. صحبت ها همه به زبان انگلیسی بود، اما زمانیکه ضرورت به «ترجمه» پیدا می شد، افراد تیم ما (مهمانان) همدیگر شان را همکاری می نمودند. محور اصلی صحبت های آقای برکات روی «**لغو کنفرانس**» تمرکز یافته بود، که عامل آن را هر دو جهت مذاکره کننده (امارت اسلامی و حکومت کابل) می دانست. حرف های وی محتاطانه، و از برای حفظ روابط دول استوار بود؛ تا در آینده چانس میزبانی همچو کنفرانس ها را از دست ندهند. اما تقصیر حکومت کابل، در لایبالی صحبت هایش به آسانی هویدا و محسوس بود.

از وضعیت چنان پیدا بود که آقای برکات از تماس و ارتباطات مهمانان با اعضای «دفتر امارت اسلامی» آگاهی حاصل نموده، و از ادامه کنفرانس خیلی تشویش داشت. به همین منظور، وی بدیل «عدم ادامه کنفرانس» را، در دو گزینه پیشکش مهمانان نمود:

1- ترتیب برگشت سریع مهمانان به کشور های شان؛

2- ترتیب گردش سیاحتی (travel tours) در کشور قطر و دیدن از اماکن مهم و تاریخی آن کشور.

قبل از آنکه دوستان موقع حاصل نمایند تا روی این دو گزینه تصمیم گیرند، با تسط محدودی که به زبان انگلیسی داشتم زود عکس العمل نشان داده، که خوشبختانه **نظیم صاحب** که در پهلویم قرار داشت در شرح و تفصیل آن بنده را نیز کمک می شد. بنده صریحاً برای آقای «**برکات**» بیان داشتم که:

«ما نه قبل از موعد تعیین شده به کشور های خویش بر می گردیم، و نه ما از برای سیاحت به این جا سفر نموده ایم. اما علاقمند بازدید از انستیتوت دوحه پس از نشست با بزرگان «دفتر سیاسی امارت اسلامی» می باشیم. اصلاً برای ما «بودن و نبودن» افراد اداره کابل از قبل بی ارزش بود. حالا در عدم حضور سیاهی لشکر (افراد اداره کابل)، وقت بیشتر برای ما مساعد گردیده است که این خود یک فرصت طلایی برای ما بوده می تواند. پس ما خواهان ادامه کنفرانس در همین روز های تعیین شده می باشیم، تا بتوانیم به راحتی دیدگاه های خویش را با مسئولین امارت اسلامی؛ که طرف اصلی قضیه کشور می باشند، در میان گذاریم.»

بعداً حديد الله تنظيم به زبان روان انگلیسی روی این مطلب وضاحت و روشنی بیشتری انداخت و در ضمن نظریات خودش را نیز بیان داشت که خوشبختانه با تایید بیشتر اعضای تیم ما، موضعگیری ما ثقلت بیشتری حاصل نمود. اما آقای «برکات» با پس منظر قضیه، و حساس بودن آن در روابط دول، بر عدم ادامه این کنفرانس اصرار می داشت. وی صریحاً بیان داشت که مهمانان نمی توانند از امکانات هتل و سالون های کنفرانس آنجا از برای ادامه کنفرانس با نمایندگان طالب استفاده برند، و در این رابطه دلایل بیشتری را پیشکش نمود. صحبت ما به درازا کشید، و زمانی که دوباره موقع برایم مساعد گشت برایش گفتم:

«کشور قطر یگانه کشوری خلیج می باشد که بیشتر به موازین «آزادی بیان» ارزش قایل است. به همین علت نقش «تلویزیون الجزیره» در رسانیدن اخبار در هر گوشه و کنار جهان محسوس می باشد. پس این چگونه «آزادی بیان» بوده می تواند که شما مایان را از «دید و بازید» با نمایندگان کشور خودمان (طالبان) منع می دارید؟ در این جای شک نیست که ما با دیدگاه ها و دلایلی که ارائه داشتید احترام می گذاریم، و جلسات خویش را در سالون های اینجا ترتیب نمی دهیم. پس شما نیز نباید مانع «دید و بازید» و «رفت و آمد» های مایان، با دیگران و نمایندگان واقعی کشور خودمان شوید.»

بعداً حديد الله تنظيم و عمران فیروز روی این مطلب، و مطالب دیگر، صحبت تفصیلی و طولانی با ایشان داشتند. خوشبختانه پروفیسور «برکات»، قبل از صرف غذا با ما به توافق رسید که جلسات با طالبان را در محل غیر از هتل «شراتون گرنده» (Sheraton Grand) می توانیم ترتیب دهیم. وی در ضمن نیز بیان داشت که در برابر «دید و بازید» و «رفت و آمد» های انفرادی با «طالبان» هیچ کدام محدودیت و مشکلی وجود نخواهد داشت.

بخش سوم:

زمان صرف غذا فرا رسید، و از موقع استفاده برده و زود سری به اطاقم زدم. از تلفون آنجا نخست با **عمار یاسر** و بعداً با سخنگوی «دفتر امارت اسلامی» **شاهین سهیل** صحبت تفصیلی نمودم و از ایشان خواستم که بعد از این، ابتکار عمل در دست شما خواهد بود، و ما منتظر تصمیم شما می مانیم....

(منتظر ادامه بخش سوم بمانید)

لیست مضامین مجموعه (یادی از تجاوز در نوشته های قبلی!):

- 1- جنگ بر علیه تروریسم! <http://www.2afghan.nl/20191007-1USinvasion.pdf>
- 2- شکار صلح! <http://www.2afghan.nl/20191007-2USinvasion.pdf>
- 3- دستاورد دو تجاوز! <http://www.2afghan.nl/20191007-3USinvasion.pdf>
- 4- چرا هفتم اکتوبر روز سیاه در تاریخ کشور نیست؟ <http://www.2afghan.nl/20191007-4USinvasion.pdf>
- 5- از عاشورای حسینی تا عاشورای طالبی! <http://www.2afghan.nl/20191007-5USinvasion.pdf>
- 6- 72 روز وحشت! <http://www.2afghan.nl/20191007-6USinvasion.pdf>
- 7- آغاز زوال «تک قدرت جهان»! <http://www.2afghan.nl/20191007-7USinvasion.pdf>
- 8- تولد کمونیستها از بطن امپریالیسم! <http://www.2afghan.nl/20191007-8USinvasion.pdf>
- 9- حکومت «وحدت ملی» یا تکرار «ائتلاف شمال»! <http://www.2afghan.nl/20191007-9USinvasion.pdf>
- 10- مکتی بر 72 روز وحشت! <http://www.2afghan.nl/20191007-10USinvasion.pdf>
- 11- کابل می گریست! <http://www.2afghan.nl/20191007-11USinvasion.pdf>
- 12- سروده ای «یکی» «دیگری»! <http://www.2afghan.nl/20191007-12USinvasion.pdf>
- 13- شش جدی، زایشگاه ای وطن فروشان! <http://www.2afghan.nl/20191007-13USinvasion.pdf>
- 14- پیروزی که، قدرش را ندانستیم! <http://www.2afghan.nl/20191007-14USinvasion.pdf>
- 15- چهارمین فرار انگلیس! <http://www.2afghan.nl/20191007-15USinvasion.pdf>
- 16- مردی که در عدم حیات اش نیز، «معاندین اسلام» را به زانو درآورد! <http://www.2afghan.nl/20191007-16USinvasion.pdf>
- 17- در لابلای ادعای دوستم، مکتی بر سوانح زعیم امارت اسلامی! <http://www.2afghan.nl/20191007-17USinvasion.pdf>
- 18- توطئه ای 11 سپتامبر، و مقاومت مجاهدین راستین! <http://www.2afghan.nl/20191007-18USinvasion.pdf>
- 19- تجاوزی که «قاتلان بدون سرحد» را، زیر «نظام دمکراسی» بسیج ساخت! <http://www.2afghan.nl/20191007-19USinvasion.pdf>
- 20- کفار ملت واحد اند! <http://www.2afghan.nl/20191007-20USinvasion.pdf>
- 21- از طمطراق تا توطئه! <http://www.2afghan.nl/20191007-21USinvasion.pdf>

- 22- فرزندان شهدای «قلعه جنگی» در «فرودگاه قندهار» حماسه آفرینند! <http://www.2afghan.nl/20191007-22USinvasion.pdf>
- 23- منافقین، آخرین امید متجاوزین! <http://www.2afghan.nl/20191007-23USinvasion.pdf>
- 24- پیامی به نمایندگان امارت اسلامی در کنفرانس پگواش! <http://www.2afghan.nl/20191007-24USinvasion.pdf>
- 25- پیروزی خون بر شمشیر! <http://www.2afghan.nl/20191007-25USinvasion.pdf>
- 26- مردی که امارت را همچو سلف اش نگهداشت! <http://www.2afghan.nl/20191007-26USinvasion.pdf>
- 27- یادی از بزرگ مرد سرزمین ما، یادی از ملا محمد عمر مجاهد! <http://www.2afghan.nl/20191007-27USinvasion.pdf>
- 28- فتنه ای نو از حنجره کهن! <http://www.2afghan.nl/20191007-28USinvasion.pdf>
- 29- یادی از آمدن کیوتران! <http://www.2afghan.nl/20191007-29USinvasion.pdf>
- 30- این است آچین! <http://www.2afghan.nl/20191007-30USinvasion.pdf>
- 31- روز نحس با عشوه گری زیبا! <http://www.2afghan.nl/20191007-31USinvasion.pdf>
- 32- علایم غروب امریکا! <http://www.2afghan.nl/20191007-32USinvasion.pdf>
- 33- جنایات قصر سفید در افغانستان! <http://www.2afghan.nl/20191007-33USinvasion.pdf>
- 34- کارمل، چهره ای منفوری که «وطنفروشی» را رنگ «روشنفکری» داد! <http://www.2afghan.nl/20191007-34USinvasion.pdf>
- 35- من «چارلی» نه ام! <http://www.2afghan.nl/20191007-35USinvasion.pdf>
- 36- مردی که به گمشده اش رسید! <http://www.2afghan.nl/20191007-36USinvasion.pdf>
- 37- افغانستان در مسیری هیروشیما! <http://www.2afghan.nl/20191007-37USinvasion.pdf>
- 38- معمای این هفته! <http://www.2afghan.nl/20191007-38USinvasion.pdf>
- 39- یادی از «منصور» در پرتوی عملیات منصوری! <http://www.2afghan.nl/20191007-39USinvasion.pdf>
- 40- مکتبی بر سخنان معاون سفیر سعودی در کابل! <http://www.2afghan.nl/20191007-40USinvasion.pdf>
- 41- باید تاوان روزی را پرداخت، که قدرش را ندانستیم! <http://www.2afghan.nl/20191007-41USinvasion.pdf>
- 42- اشکی بر شهدا! <http://www.2afghan.nl/20191007-42USinvasion.pdf>
- 43- ورود ملیشه های امریکا به کابل! <http://www.2afghan.nl/20191007-43USinvasion.pdf>
- 44- ماه گذشته بر قلب افغانستان 751 بمب اصابت نمود! <http://www.2afghan.nl/20191007-44USinvasion.pdf>
- 45- ضمیر های مرده! <http://www.2afghan.nl/20191007-45USinvasion.pdf>
- 46- آیا بخاطر دارید؟ <http://www.2afghan.nl/20191007-46USinvasion.pdf>
- 47- درد وجدان، «غرغره» ست! <http://www.2afghan.nl/20191007-47USinvasion.pdf>
- 48- چرا احساس «قیام های قبلی»، در «شهرنشینان فعلی» نیست؟ <http://www.2afghan.nl/20191007-48USinvasion.pdf>
- 49- اشکی بر طلب! <http://www.2afghan.nl/20191007-49USinvasion.pdf>
- 50- «اجیر» تا به «اجیر»! <http://www.2afghan.nl/20191007-50USinvasion.pdf>
- 51- کجایی، ای «عمر»؟! <http://www.2afghan.nl/20191007-51USinvasion.pdf>
- 52- آنچه دیگران را از قلعه انداخت، اسامه را به قلعه رساند! <http://www.2afghan.nl/20191007-52USinvasion.pdf>
- 53- از «خودکش» و «بیگانه پرست»! <http://www.2afghan.nl/20191007-53USinvasion.pdf>
- 54- گل معطر از سید گل «امت اسلامی»! (بخش اول) <http://www.2afghan.nl/20191007-54USinvasionP1.pdf>
- گل معطر از سید گل «امت اسلامی»! (بخش دوم) <http://www.2afghan.nl/20191007-54USinvasionP2.pdf>
- گل معطر از سید گل «امت اسلامی»! (بخش سوم) <http://www.2afghan.nl/20191007-54USinvasionP3.pdf>
- گل معطر از سید گل «امت اسلامی»! (بخش چهارم) <http://www.2afghan.nl/20191007-54USinvasionP4.pdf>
- گل معطر از سید گل «امت اسلامی»! (بخش پنجم) <http://www.2afghan.nl/20191007-54USinvasionP5.pdf>
- گل معطر از سید گل «امت اسلامی»! (بخش ششم) <http://www.2afghan.nl/20191007-54USinvasionP6.pdf>
- 55- یادی از «مردان راستین»! <http://www.2afghan.nl/20191007-55USinvasion.pdf>
- 56- برگشت «فاسق» به «آشیانه فسق»! <http://www.2afghan.nl/20191007-56USinvasion.pdf>
- 57- یادی شهید گمنام که «اولین اشغالگر» را به جهنم فرستاد! <http://www.2afghan.nl/20191007-57USinvasion.pdf>
- 58- یتیمان «کمونیزم» در فرزندی «صلیبی ها» زنده تر گشتند! (بخش اول) <http://www.2afghan.nl/20191007-58USinvasionP1.pdf>
- یتیمان «کمونیزم» در فرزندی «صلیبی ها» زنده تر گشتند! (بخش دوم) <http://www.2afghan.nl/20191007-58USinvasionP2.pdf>
- یتیمان «کمونیزم» در فرزندی «صلیبی ها» زنده تر گشتند! (بخش سوم) <http://www.2afghan.nl/20191007-58USinvasionP3.pdf>
- 59- کم شوید از کشور ما! <http://www.2afghan.nl/20191007-59USinvasion.pdf>
- 60- حکومت ملیشه نی! <http://www.2afghan.nl/20191007-60USinvasion.pdf>
- 61- پس کجا خواهی رفت؟! <http://www.2afghan.nl/20191007-61USinvasion.pdf>
- 62- خطه ای طاغوت شکن! <http://www.2afghan.nl/20191007-62USinvasion.pdf>
- 63- تحفه تو، کفن من! (بخش اول) <http://www.2afghan.nl/20191007-63USinvasionP1.pdf>
- تحفه تو، کفن من! (بخش دوم) <http://www.2afghan.nl/20191007-63USinvasionP2.pdf>